

هُوَالله-ای یاران دل و جان. جهان را ظلمت غفلت احاطه نموده و افق عالم را ابرهای تاریک پنهان کرده.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالله

ای یاران دل و جان.¹ جهان را ظلمت غفلت احاطه نموده و افق عالم را ابرهای تاریک پنهان کرده. عالم انسانی بتعب و مشقت افتاده و جمیع طوائف عالم حیران و سرگردانند. از بدایت تاریخ بشر الی الآن چنین شعله جانسوز نیفروخته و چنین نائر شعله بافاق نزده. جمیع چشمها گریان است و جمیع دلها سوزان. خطه اروپو بتمامها میدان خونریزی است و جولانگاه درندگی بقول شاعر ” نوک خاری نیست کز خون شهیدان سرخ نیست “ فریاد و فغان است که باوج آسمان است سرشگ یتیمان است که مانند سیل روان است. حزن و اندوه پدران است که در ماتم پسران است. ناله و حنین مادران است که سبب حسرت قلب و جان است. از هر سو آه و حنین از قلوب حزین استماع میشود. و از هر جهت ذئاب کین در کمین است. و این انسان ضعیف مورد چنین مصائب شدید. با وجود این کلّ بخواب غفلت گرفتار و از الفت و محبت بیزار. نه تنبّهی و نه تذکری نه تفکّری نه تعمّقی نه مناجاتی و نه طلب حاجاتی نه عجز و زاری و نه توبه و انابه بدرگاه باری.

با وجود آنکه در ایام سفر در ممالک فرنگ و امریک در جمیع کائس و محافل و مجامع نعره زنان تحذیر و انداز میشود که ای جمع محترم گوش باز کنید زیرا خطر عظیمی در پیش است و آفتی شدید در آینده رخ بگشاید

¹ احبّای الهی علیهم تحیّة ربّهم الرّحمن الرّحیم



ORIGINAL



AUDIO

اقلیم اروپا بتمامها جبّه خانه و قور خانه شده. و موادّ التهایّه مخزون و مکنون موقوف بیک شراره است فوراً نائره
بعنان آسمان رسد و از یک شرر زیر و زیر گردد.

ای حاضرین بتمام قوی بکوشید تا این آتش را خاموش کنید و این زلزله اعظم را مانع گردید و الا آفت مانند
صاعقه از هر جهت آتش بر بنیان بنی آدم زند ممالک ویران گردد و مدائن بی امن و امان شود. جمیع پریشان و
پشیمان گردند ولی از ندامت چه منفعت پس بهتر آن است که تعالیم آسمانی بیاموزید و آهنگ خوشی در جمیع
آفاق بنوازید و علم وحدت عالم انسانی بر افرازید و بتأسیس صلح عمومی پردازید.

از یوم بدو تاریخ که قریب بشش هزار سال است همیشه جنگ و جدال بود و حرب و قتال درندگی بود و
خونریزی. دمی عالم انسانی راحت نکرد و آسایش نیافت الحمدلله که این قرن انوار است. و این عصر عصر
حقیقت و ظهور اسرار و این واضح و آشکار که عداوت و بغضا هادم بنیان انسان و محبت و وفا زندگی
جاودان. جنگ آفت و ممت است. صلح چشمه آب حیات. جنگ بنیان ویران کند صلح ویران را آباد نماید.
جنگ مورث غم و اندوه است و صلح و سلام سبب سرور و جبور حرب و قتال حزن و ماتم است و صلح و
آشتی جشن اعظم

پس تا توانید بکوشید و بجوشید تا علم وحدت عالم انسانی در قطب امکان موج زند و شمس حقیقت آفاق را بنور
محبت روشن نماید. سیف و سنان بر افتد و نسیم جانپور الفت و وداد حیات تازه بخشد ظلمت نکبت عالم انسانی
زائل گردد و نورانیت سعادت آسمانی شرق و غرب را روشن نماید خارستان گلستان گردد و گلخن ظلمانی گلشن
رحمانی شود فصل خزان منتهی گردد و بهار جانپور بر کوه و صحرا خیمه زند و جمیع حاضرین تصدیق مینمودند
که چنین است باوجود این در بستر غفلت خفته ابداً فکر ننموده و سعی و کوشش نکرده تا آنکه این شراره آتش بر
بنیان بشر زد و خاور و باختر در این اضطراب عظیم افتادند و این ریج عقیم جمیع اشجار تر و تازه را از ریشه بر
انداخت. سبحان الله این چه نادانی است و این چه غفلت و سرگردانی چاه در راه و رونده بینا و آگاه. با
وجود این حیرتم از چشم بندی خدا که انسان پبای خود خویش را در سقر افکند. باده صافی را درد آلود نماید
و چشمه غذب فرات را ملح اجاج کند شمع روشن را خاموش نماید و صبح نورانی را ظلمانی کند و شهد وفا
را بسمّ جفا تبدیل نماید و باوجود این افتخار کند.

باری تعالیم جمال مبارک روحی له الفداء نعره زنان در امریک و بریطانیا و فرانسه و آلمان در مجامع عظمی و
کنائس کبری بیان شد و شرح و تشریح گشت لهذا حجت بر کلّ بالغ گردید چون نپذیرفتند و مجری نداشتند آنچه
که در الواح صریحاً مذکور بوقوع پیوست. امیدواریم که بعد از این حرب دیده ها بینا شود و گوشها شنوا
گردد و علم وحدت عالم انسانی در قطب آفاق موج زند و خیمه صلح عمومی سایه بر شرق و غرب افکند. شجره
مبارک که نشو و نما کند وصایا و نصایح جمال مبارک منتشر گردد و یقین است که بعد از این حرب این تعالیم در

هر اقلیم علم بر افرازد و این نسیم جانبخش جهان را باهتزاز آرد. احبای الهی باید خود را حاضر نمایند. تا بجزرد
خاموشی این آتش آهنگ ملکوت بلند نمایند و مسامع لاهوتیانرا در صوامع الهی باین نغمه و آواز باهتزاز آرند
الحمد لله در صون و حمایت اسم اعظم جمیع یاران در ارض اقدس در نهایت روح و ریحانند و ما هذا الا من
فضله وجوده و احسانه. جمیع یارانرا بجان و دل مشتاقم. و اماء رحمن را تحیت ابدع ابهی میرسانم. و علیکم و
علیکن البهاء الابهی ... عبدالبهاء عباس

